

## نقش سازمان بهزیستی در پیشگیری از بزه کودک آزاری در استان البرز

علی براتی<sup>۱</sup>

از صفحه ۹ تا ۲۹

دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۲۳

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۳۰

### چکیده

امروزه سیاست جنایی، ترکیبی از پیشگیری و کیفر را در واکنش به پدیده مجرمانه، مفید و اثربخش می‌داند. متولی بودن قوه قضائیه در پیشگیری از جرم به معنای نقش نداشتن دیگر سازمانها و نهادهای مردمی نیست، بلکه دیگر سازمانها و نهادها به عنوان ابزار قوه قضائیه برای پیشگیری از جرم به حساب می‌آیند. از جمله سازمانهایی که با اقشار آسیب پذیر جامعه و آسیب‌های اجتماعی ارتباط مستقیم دارد سازمان بهزیستی کشور است. لذا محقق در این پژوهش، به نقش سازمان بهزیستی در پیشگیری از بزه کودک آزاری در استان البرز پرداخته است. روش تحقیق این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای است. سوال اصلی این است که سازمان بهزیستی چگونه می‌تواند با ایفای نقش خود در پیشگیری از کودک آزاری، موثر باشد؟ پس از بررسی و مطالعات صورت گرفته، مشخص گردید؛ با توجه به آنکه زمینه‌ی بسیاری از جرایم در فقر، بیکاری، محرومیت، ناآگاهی و عدم آموزش لازم و نداشتن فرصت‌های برابر بین افراد جامعه است، سازمان بهزیستی با هدف حمایت و رساندن حداقل‌های امکانات و خدمات بهزیستی به افراد جامعه و کمک به اقشار آسیب‌پذیر، من جمله کودکان و تجدید تربیت منحرفین به دنبال بهزیستی افراد جامعه بوده که نتیجتاً زمینه بسیاری از جرایم و جرم کودک آزاری را از بین می‌برد و از وقوع جرم پیشگیری می‌کند و نتیجه آنکه می‌توان این سازمان را به عنوان یک سازمان متولی پیشگیری اجتماعی از جرم معرفی کرد.

واژگان کلیدی: جرم، پیشگیری، سازمان بهزیستی، اورژانس اجتماعی، کودک آزاری.

## مقدمه

در اسناد بین‌المللی به طور عمده، منظور از طفل، شخص زیر ۱۸ سال تمام می‌باشد، مگر آنکه به موجب قانون داخلی آن کشور، سن کمتری شناسایی شده باشد، با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با اطلاق عنوان طفل، همه اشخاص حقیقی که به ۱۸ سال تمام نرسیده‌اند، طفل یا کودک تلقی می‌شوند. کودک‌آزاری به اشکال گوناگون به رفتاری اطلاق می‌شود که، منجر به آزار جسمانی، روانی، عاطفی و ذهنی کودک شده و در مراحل رشد طبیعی و سلامت کودک اختلال ایجاد نماید. ماده دوم قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (مصوب ۱۳۸۱) در تعریف گونه‌ای از کودک‌آزاری می‌گوید: «هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد ممنوع است.» براساس این تعریف ماهیت کودک‌آزاری، اذیت و آزار است، لذا مجرم باید سوء نیت عام و خاص داشته و در صدد آزار او برآمده باشد. عنصر مادی این جرم عبارت است از: صدمات جسمی مانند جراحات، صدمات روانی مانند پریشانی روانی و اضطراب و افسردگی و مانند آن.

با توجه به ماده واحده تشکیل سازمان بهزیستی مصوب ۱۳۵۹، یکی از وظایف اصلی و مبنای اصلی ایجاد سازمان بهزیستی را، تجدید تربیت منحرفین اجتماعی (پیشگیری از تکرار جرم) قرار داده است و این نهاد را متولی این امر قرار داده که با همکاری سایر نهادها، اعم از دولتی و غیردولتی به این مهم دست یابد و از آنجا که تکرار جرم به مجموعه جرایمی اشاره دارد که یک بزهکار از اولین تا آخرین جرم، آنها را تجربه کرده است؛ اولین تجربه بزهکاری، یکی از مطمئن‌ترین عوامل پیش‌بینی وقوع بزهکاری بعدی در آینده‌ای بسیار نزدیک است و راهکارهای پیشگیری از تکرار بزهکاری معمولاً به صورت مقطعی هستند و برای تاثیرگذاری بیشتر باید فوراً پس از وقوع جرم اول، اجرا بشوند. شدت و ضعف راهکارها باید با تعداد بزهکاری‌های قبلی متناسب باشد و راهکارها با این معیار طبقه‌بندی بشوند (الله‌یاری، ۱۳۸۸).

کارآمدترین راهکارها در زمینه پیشگیری از بزهکاری، راهکارهایی هستند که با اجرای آنها، بعضی خصایص بزهکاران که بر اساس آن دچار بزهکاری مجدد می‌شوند، تغییر خواهند کرد که اصلاح و درمان که روش حاکم بر اصول سازمان بهزیستی است، می‌تواند یکی از کارآمدترین راهکارها باشد که با در نظر گرفتن فاکتورهای موثر در ارتکاب جرم و

سعی در رفع آنها، فرد را به جامعه برگردانده و بهترین روش، روشی است که به صورت چند جانبه عمل کند و از آنجا که در روش های به کار برده شده در سازمان بهزیستی، مردم نیز به ایفای نقش می پردازند، این امر باعث می شود کلیه اقشار جامعه در جلوگیری از ارتکاب جرم شرکت نمایند و بدیهی است که بهترین روش جهت جلوگیری از ارتکاب جرم، تلاش در جهت اصلاح و درمان و بازپروری مجرم به جای سزادهی است.

### بیان مسئله

آزار و خشونت علیه کودکان، از جمله مسائلی است که سابقه ای به طول عمر بشریت دارد و در ادوار مختلف تاریخ به طرق متفاوت کودکان را هدف قرار داده است و متأسفانه امروزه نیز به عنوان پدیده ای رو به رشد در جوامع به ظاهر متمدن از آن یاد می شود. کودک آزاری عبارت است از هر گونه فعل یا ترک فعلی که موجب آسیب یا تهدید سلامت جسم و روان و یا سعادت و رفاه و بهزیستی کودک و نوجوان زیر ۱۸ سال به دست والدین یا افرادی که نسبت به او مسئول هستند می شود. بر اساس معیارهایی که سازمان جهانی بهداشت از کودک آزاری ارائه نموده است، می توان کودک آزاری را به شش دسته: ۱- کودک آزاری جسمی ۲- کودک آزاری روانی و عاطفی ۳- کودک آزاری جنسی ۴- کودک آزاری آموزشی ۵- کودک آزاری اقتصادی ۶- کودک آزاری ناشی از غفلت تقسیم بندی نمود.

بی شک عمده ترین نهاد دولتی در استان البرز در جهت سامان دهی طیف آسیب پذیر جامعه، سازمان بهزیستی استان است. بهزیستی از چندین جهت وظایف و مسئولیت های سنگینی را عهده دار است. از سویی مسئولیت تامین رفاه خیل عظیمی از معلولان جامعه به این سازمان محول شده است و از سویی دیگر، وظیفه سر و سامان دادن به وضعیت بسیاری از زنان و کودکان محروم نگه داشته شده جامعه نیز در حیطه مسئولیت های سازمان بهزیستی جای می گیرد. از جمله وظایف و تکالیف این سازمان در راستای پیشگیری از بزه کودک آزاری بوده که در سال های اخیر با راه اندازی مرکز امور آسیب دیدگان اجتماعی به این موضوع به صورت اختصاصی رسیدگی می کنند. در تعریف پیشگیری می توان گفت: در لغت به معنای جلوگیری، دفع، منع سرایت، صیانت و... آمده است (معین، ۱۳۷۷).

تقسیم بندی سه گانه پیشگیری، شامل پیشگیری ابتدایی که شامل سیاست ها و طرح هایی برای پیشگیری از شرایط جرمزا است و بر زمینه های اجتماعی و اقتصادی و

سیاست عمومی تمرکز دارد؛ نظیر تأثیر فقر و بیکاری بر وقوع کودک آزاری، پیشگیری ثانویه که افراد و گروه‌های در معرض خطر را خطاب قرار می‌دهد و برای این دسته از افراد، مانند کودکان بی سرپرست یا بدسرپرست و... تدابیری حمایتی اتخاذ می‌کند. در نهایت، پیشگیری ثالث که معطوف به پیشگیری از تکرار جرم در خلال اقدامات فردی برای سازگاری مجدد اجتماعی یا خنثی نمودن بزهکاران پیشین است (ریموند، ۱۳۷۰)

در این تقسیم بندی، پیشگیری ابتدایی و ثانویه درخصوص پیشگیری قبل از وقوع جرم و شناخت علل و عوامل آن مربوط است. به عبارت دیگر، این دو نوع پیشگیری در جرم شناسی پیشگیرانه، کاربرد دارد و پیشگیری ثالث نیز پیشگیری کیفی و مربوط به مرحله بعد از وقوع جرم است. به این ترتیب پیشگیری در دو بخش کیفی و غیرکیفی و در تقسیم بندی غیرکیفی به پیشگیری اجتماعی با هدف تأمین حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم در سطح جامعه و پیشگیری وضعی با رعایت حقوق و آزادی های مدنی و سیاسی مردم درخصوص اقدامات پیشگیرانه تقسیم شده است. به طور کلی در این پژوهش محقق در نظر داشته تا نقش سازمان بهزیستی را در پیشگیری از بزه کودک آزاری مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد.

### پیشینه تحقیق

در موارد مشابه با موضوع پژوهش، کارهایی صورت گرفته است که به ارایه برخی از آنها می‌پردازیم:

۱. مقاله ای با عنوان مطالعه جرم شناختی و حقوقی بزه کودک آزاری توسط محمد علی جاهد در سال ۱۳۸۹ در مجله حق گستر منتشر گردید. وی بیان نمود که، نقض حقوق کودکان و کودک آزاری، سابقه ای طولانی در تاریخ بشری دارد که در هر دوره ای از تاریخ، تعریف مفهومی آن متفاوت و معمولاً فاقد بار معنایی منفی بوده است. حقوق کودکان از جمله، مسائلی است که تا چندین سال قبل، چه در ایران و چه در سایر کشورها و نیز در عرصه بین الملل، چندان مورد توجه نبوده است. شاهد این ادعا اینکه، کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۸۹ از سوی سازمان ملل به تصویب رسید؛ در حالی که تقریباً ۴۰ سال قبل از آن یعنی در سال ۱۹۴۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر از سوی سازمان ملل به تصویب رسیده

بود. البته قبل از تصویب کنوانسیون جهانی حقوق کودک، چند اعلامیه در این رابطه به تصویب کشورها رسیده بود.

۲. مقاله ای با عنوان اورژانس اجتماعی و نقش آن در پیشگیری از وقوع جرم، توسط سید حسن موسوی در سال ۱۳۸۹ در فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم به چاپ رسید. وی عنوان نمود که، آسیب های اجتماعی، کجروی ها و جرائم به دلیل تنوع و سیال بودن، همواره ثابت نیستند، به همین دلیل باید برای مقابله با آنها برنامه ریزی مناسب صورت گیرد. اندیشمندان علوم اجتماعی معتقدند: پدیده جرم و کجروی همواره در معرض دگرگونی های مداوم و پرتحرک قرار داشته و به طور مستمر شکل هایی متفاوت، به خود گرفته اند. در این میان، از زمانی به زمان دیگر و از مکانی به مکانی دیگر تلقی کجروانه بودن یک پدیده نیز تغییر یافته است و به همین تناسب نیز سازمان ها و دستگاه های مختلفی در زمانهای مختلف، برای ساماندهی به این امور در جوامع مختلف، فعال می شوند و برنامه هایی را نیز اجرا می کنند که برخی از این سازمانها دارای وظایف اجتماعی، برخی انتظامی و برخی دیگر قضایی و... هستند. در ایران نیز سازمان بهزیستی و نیروی انتظامی از جمله این سازمانها هستند.

۳. آقای حسنعلی موذن زادگان در سال ۱۳۹۳ مقاله ای با عنوان پیشگیری غیر کیفری از بزه دیدگی اطفال در مجله حقوقی دادگستری ارائه نمود. در این مقاله عنوان شد که، دستگاه عدالت کیفری تا پایان قرن هجدهم تنها عملی که انجام می داد مجازات گناهکار با هدف عبرت آموزی به دیگران و ایجاد رعب و هراس در اجتماع بود. چراکه تصور می شد، شکنجه و مجازات های شدید می تواند ترس و وحشت را در اجتماع به وجود آورد و در نتیجه، مانع از ارتکاب جرم توسط دیگران گردد؛ این گونه سیاست پیشگیری از جرم توأم با انتقام در ملامع بود که همراه با تبلیغات و توأم با خشونت بسیار در برابر دیدگان مردم انجام می گرفت. در تقسیم بندی کلی به پیشگیری کیفری (واکنشی) و غیر کیفری (کنشی) تقسیم می شوند. چنانچه پیشگیری در معنای وسیع کلمه به کار برده شود، شامل طیف وسیعی از اقدامات کیفری و غیرکیفری است و چنانچه در معنای مضیق مورد توجه قرار گیرد صرفاً شامل تدابیر غیرکیفری است.

۴. مقاله پیشگیری از وقوع جرم با رویکرد مددکاری اجتماعی توسط طلعت الله یاری در سال ۱۳۸۸ در فصلنامه علمی- پژوهشی انتظام اجتماعی به چاپ رسید. وی بیان نمود که،

سیاست جنایی و قوانین موجود می تواند به عنوان اولین عامل مهم در کاهش جرم قلمداد شود؛ به ویژه آنکه بر اساس بند ۵ از اصل ۱۵۶، قوه قضائیه مکلف است برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح افراد مجرم نهادهایی را در داخل قوه قضائیه ایجاد کند و در این راستا تلاش خود را بر اقدامات اجتماعی، باز پروری و اصلاح افراد مجرم و سازگار کردن آنان با جامعه متمرکز کند. در واقع تشریک مساعی قوای سه گانه در امر پیشگیری کارساز است. دومین عامل مهم، نهادها و مؤسسات موجود در کشور است که شامل دو دسته: ۱. نهادهای بازپروری و اصلاح افراد مجرم؛ ۲. سایر نهادهای موجود از جمله کلیه تشکیلات دولتی، خصوصی و مردمی است.

### سوالات تحقیق

سوالات پژوهش عبارتند از:

۱. سازمان بهزیستی چگونه می تواند با ایفای نقش خود در پیشگیری از کودک آزاری در استان البرز، موثر باشد؟
۲. پیشگیری اجتماعی از کودک آزاری توسط سازمان بهزیستی چه می باشد؟

### فرضیات تحقیق

با توجه به سوالات مطرح شده می توان فرضیات زیر را بیان نمود:

۱. به نظر می رسد که سازمان بهزیستی در سال های اخیر با توجه به پیگیری لایحه جدید مربوط به حمایت از کودکان و راه اندازی دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی (اورژانس اجتماعی ۱۲۳) می تواند در جهت پیشگیری از کودک آزاری نقش بسزایی داشته باشد.
۲. تقسیم بندی سه گانه پیشگیری، شامل پیشگیری ابتدایی که شامل سیاست ها و طرح هایی برای پیشگیری از شرایط جرمزا است؛ پیشگیری ثانویه که افراد و گروه های در معرض خطر را خطاب قرار می دهد و در نهایت پیشگیری ثالث که معطوف به پیشگیری از تکرار جرم در خلال اقدامات فردی برای سازگاری مجدد اجتماعی یا خنثی نمودن بزهکاران پیشین است.

۳. در این تقسیم بندی پیشگیری ابتدایی و ثانویه درخصوص پیشگیری قبل از وقوع جرم و شناخت علل و عوامل آن مربوط است، این دو نوع پیشگیری در جرم شناسی پیشگیرانه، کاربرد دارد و پیشگیری ثالث نیز پیشگیری کیفری و مربوط به مرحله ی بعد از وقوع جرم است.

### اهداف تحقیق

پس از بررسی مسئله تحقیق و بیان فرضیه این پژوهش می توان گفت که: هدف اصلی این محقق در پژوهش پیش رو «بررسی نقش سازمان بهزیستی در راستای پیشگیری از بزه کودک آزاری» می باشد. که به صورت موردی برخی از شقوق آن را بیان خواهیم کرد:

۱. بررسی نقش سازمان بهزیستی در پیشگیری از بزه کودک آزاری در استان البرز؛

۲. تحلیل و واکاوی انواع کودک آزاری در ایران؛

۳. بیان انواع پیشگیری از کودک آزاری توسط سازمان بهزیستی؛

۴. بررسی و تعیین انواع پیشگیری های قبل از وقوع جرایم و بزه، علیه اطفال.

### روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای است.

### مبانی جرم شناختی نقش سازمان های مردم نهاد در بزه دیدگی کودکان

همچنان که از عنوان تحقیق پیش رو بر می آید، حوزه مباحث ما گرد « بزه دیدگی» و به طور خاص « بزه دیدگی اطفال» و روش های پیشگیری از آن است. گفته می شود که مطالعه مجنی علیه<sup>۱</sup>، رویکردی جدید در جرم شناسی به وجود آورده است. بیست سال پیش، مشکل می نمود که یک واحد تحقیقات جرم شناختی (اداری، تخصصی، غیر انتفاعی یا غیر آن) یا یک گروه تحقیقاتی بتوان یافت که در زمینه بزه دیده، مشغول فعالیت باشد یا زبان دیدگان از جرم (یا مجنی علیه یا قربانیان و بزه دیدگان) را به خاطر یک ارتباط اساسی

<sup>۱</sup> آنکه بر او جنایت رفته؛ کسی که جرمی به ضرر او واقع شده است. (لغتنامه دهخدا)

با این موضوع، مورد مطالعه قرار دهد، به جز اینکه مجنی علیه، یک محصول معمولاً مورد ترحم در فرآیند ارتکاب عمل مجرمانه بود. به طور کلی از « بزه دیده » به عنوان «سیندرلای نظام عدالت کیفری»، یاد می‌کنند. دلیل این امر آن است که در این خصوص تحقیقات چندانی - بر خلاف مطالعات گسترده ای که حول بزه کاری انجام شده - صورت نگرفته است. در طول بیست سال گذشته، اعتنا به بزه دیده افزایش یافته و بزه دیده، امروزه مرکز مطالعات متخصصین، دست اندرکاران و عامه مردم است. اگر چه تحقیقات وسیع تنها بیست سال پیش شروع شد اما قبل از آن نیز تحقیقات پراکنده ای وجود داشت که پیشتر در امریکا و بر پایه فرضیاتی با کمترین مبنای علمی یا تجربی بود. شاخص ترین نویسندگان متقدم در موضوعی که آنها، آن را « بزه دیده شناسی » نامیدند، مندلسون (۱۹۴۷) و هانس فون هنتی (۱۹۴۸)<sup>۱</sup> بودند (صفاری، ۱۳۹۱).

تحقیقات آنها بر روش و دید گاهی متمرکز بود که با لحاظ آن می توان گفت: جرم، نتیجه یا تاثیر رفتار یا نحوه زندگی بزه دیده است. بخشی از این نظریات متقدم در سال‌های اخیر، احیا شده است؛ زمانی که در پرونده های بحث انگیز خاصی، خصوصاً در پرونده های تجاوز جنسی، اظهار نظر شده است که بزه دیدگی، معلول یا تحت تأثیر عکس العمل بزه دیده است. چنان که در این راستا در بیانات حقوق دانان و قضات این دیدگاه نیز آشکار است. به عنوان مثال، یکی از قضات انگلستان در یک پرونده به هیئت منصفه چنین گفت: «همان طور که آقایان محترم اعضای هیئت منصفه درک می کنند، زمانی که یک زن می گوید نه، همیشه منظورش مخالفت نیست». در چنین دیدگاه هایی، خود مجرم تقریباً به اندازه خود بزه دیده، به عنوان قربانی نشان داده می شود. با این مقدمه کوتاه باید گفت که، خطرات کلی بزه دیدگی، خطرات واقعی بزرگتری را برای برخی گروه ها، به وجود می آورد. افراد گروه های معین ممکن است بزه دیده تعداد زیادی از جرایم در طول یکسال واقع شوند، در حالی که دیگران در سایر گروه ها، ممکن است هرگز بزه دیده نشوند یا فقط به ندرت یک جرم را تجربه کنند. خشونت های جنسی و خانوادگی نسبت به زنان و کودکان، در این دسته قرار دارند. آنچه کمتر مورد بررسی قرار گرفته، تا این اواخر، بزه دیدگی کودکان است.

---

۱. از بنیامین مندلسون به عنوان پدر بزه دیده شناسی و ز فون هنتینگ به عنوان پدر معنوی بزه دیده شناسی، یاد می‌کنند.



## دیدگاه های جرم شناختی در مورد بزه دیدگی اطفال

در خصوص مبانی جرم شناختی بزه دیدگی اطفال باید گفت که: جرم شناسان و بزه دیده شناسان نام آور همچون عزت عبدالفتاح، بنیامین مندلسون و دیگران پژوهش‌هایی را انجام داده اند که موجب پدید آمدن مکتب بزه دیده شناسی و توجه روزافزون به شرایط بزه دیده گردید. با این اوصاف آنچه باید به عنوان مبانی نظری بزه دیدگی اطفال مورد توجه قرار گیرد « وضعیت خاص » اطفال است. چه این وضعیت خاص مثل کم سن و سال بودن، وابستگی به پدر و مادر، فقر، نیاز به توجه و محبت در این سنین و نظایر آن از یک سو؛ و از سوی دیگر، همنشینی با هم سن و سالان کجرو و... ما را به این سمت و سو رهنمون می سازد که اگر طفلی به عنوان بزه کار و محکوم در محل گذراندن محکومیت خود، نظیر کانون اصلاح و تربیت به سر می برد، پیش از هر چیز باید وی را بزه دیده و قربانی به شمار آورد، نه بزه کار؛ چه وی دیروز قربانی یکی از عوامل مذکور بوده است و امروز به عنوان بزه کار در کانون اصلاح و تربیت به سر می برد.

البته در ادامه باید افزود که این « وضعیت خاص » می تواند خود بزه دیدگی های دیگری را در پی داشته باشد و آن بزه دیدگی های ناشی از قوانین و برخورد دستگاه عدالت به ویژه شیوه دستگیری، بازجویی و رسیدگی است؛ چه همان طور که بیان کردیم با توجه به وضعیت خاص اطفال مستلزم پیش بینی تدابیر کیفری ویژه ای است و چنانچه نظام عدالت کیفری ناتوان از ایجاد فرایند ویژه باشد یا آنکه در پی پیش بینی آن بر نیاید (همچون ایران)، این فرض می تواند قوت یابد که طفل محکوم علیه، بزه کار به معنای واقعی نیست بلکه بزه دیده ایست که اگر نگوییم قربانی کمبودها و نارسایی های خانوادگی شده است و یا اگر چنین نارسایی هایی به فرض هم در خانواده وی مشهود نباشد، باید گفت: قربانی شیوه رسیدگی نظام عدالت کیفری است که در طی این فرآیند ناعادلانه و بدون توجه به وضع خاص وی دستگیر و بازجویی شده است (گودرزی، ۱۳۸۲).

## پیشگیری اجتماعی از بزه کودک آزاری

### الف- تعریف پیشگیری اجتماعی

طبق بند الف ماده یک لایحه پیشگیری از وقوع جرم، پیشگیری اجتماعی عبارت است از تدابیر و روش های آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دولت، نهادها و سازمان های غیردولتی و مردم نهاد در زمینه سالم سازی محیط اجتماعی و محیط فیزیکی برای حذف یا کاهش عوامل اجتماعی وقوع جرم. مرکز بین المللی پیشگیری از جرم، موضوع پیشگیری از جرم، اجتماعی را به این نحو تعریف کرده است: هر چیزی که بزهکاری، خشونت و ناامنی را از طریق هدف گیری موفقیت آمیز علل شناخته شده جرم از طریق علمی کاهش دهد. پیشگیری اجتماعی از جرم، مجموعه اقدامات و تدابیری است که هدف آن حذف یا کاهش خطر عوامل اجتماعی و اقتصادی و محیطی جرم است (نسل، ۱۳۸۷).

پیشگیری از وقوع جرایم طبق بند ۸ ماده ۴ قانون ناجا (مصوب ۲۷ تیر ۱۳۶۹) جزو وظایف قضایی ناجا به حساب می آید. در یک دسته بندی، پیشگیری از وقوع جرایم، دو نوع است: الف- (کیفری) خاص و عام و ب- (غیرکیفری) پیشگیری اجتماعی و وضعی (گل محمدی خامنه، ۱۳۸۴). در بین انواع پیشگیری، پیشگیری اجتماعی اهمیتی ویژه دارد. در پیشگیری اجتماعی که در قیاس با سایر انواع پیشگیری واژه تازه تری است، نهادهای اجتماعی مانند خانواده، مدارس، رسانه ها و جز آن، تلاش می کنند که از بزه دیدگی افراد جامعه، به ویژه کودکان، نوجوانان و جوانان جلوگیری کنند و فرصت های ارتکاب جرم را تا حد امکان کاهش دهند. در این نوع پیشگیری، مسئولیت پلیس- که وظیفه حفظ امنیت و آرامش شهروندان را بر عهده دارد پررنگ تر و جدی تر است. (گل محمدی خامنه، ۱۳۸۵)

### ب- اهداف سازمان بهزیستی در پیشگیری اجتماعی

مهمترین اهداف سازمان بهزیستی عبارت است از:

۱- انجام مداخلات روانی- اجتماعی قبل از مداخلات قضایی- انتظامی

در واقع می توان گفت: مهمترین هدف سازمان بهزیستی، پر کردن فاصله بین خانه با کلانتری و دادگستری توسط خدمات مددکاران اجتماعی و روانشناسان است. البته حتی

حین مداخلات قضایی و انتظامی و پس از آن نیز لازم است مداخلات روانی - اجتماعی جایگاه ویژه ای داشته باشد (موسوی، ۱۳۸۹).

## ۲- کمک به قضا‌دایی و پیشگیری از جرم کودک آزاری

امروزه یکی از مهمترین سیاستهای قوه قضائیه و نیروی انتظامی قضا‌دایی و پیشگیری از وقوع جرم است که برنامه سازمان بهزیستی در این راستا کمک بزرگی می کند و می تواند از تشکیل پرونده های قضایی جلوگیری کند یا حداقل تعداد آنها را کمتر کند. سؤال اینجاست که آیا برای فردی که به دلیل عدم اطلاع از روانشناسی رشد برخورد نامناسب با فرزند خود دارد، به گونه ای که زمینه آزار یا فرار وی را فراهم می کند، باید در مرحله اول، پرونده قضایی تشکیل داد. آیا فردی که به هر دلیلی از خانه فرار کرد، لازم است در ابتدا به کلانتری یا دادگستری برود. آیا برای خشنونت های خانگی، مانند کودک آزاری که بسیاری از آنها به دلیل ناآگاهی است، باید پرونده قضایی تشکیل داد. آیا اولین دری که به روی این افراد باز می شود باید در کلانتری یا دادگستری باشد. آیا ادامه این روند تعداد پرونده های قضایی را افزایش نخواهد داد. در شرایطی که افراد در معرض آسیب قرار می گیرند یا آسیب اجتماعی می بینند، نباید اولین مرجع آنها کلانتری یا دادگستری باشد. به همین دلیل سازمان بهزیستی می تواند خلأ بین کلانتری و خانه را پر کند. البته منظور این نیست که مطلقاً جلوی تشکیل پرونده ها گرفته می شود، بلکه می توان با قاطعیت گفت: درصد قابل توجهی از پرونده ها در حوزه آسیب های اجتماعی کاهش خواهد یافت. فراموش نشود که پیشگیری از وقوع جرم تنها توسط قوه قضائیه و نیروی انتظامی تحقق نخواهد یافت، بلکه بسیاری از خدمات و اقداماتی که توسط دستگاه های فرهنگی و اجتماعی انجام می شود می تواند زمینه پیشگیری از وقوع جرم را فراهم نمایند.

## ۳- شناسایی آسیب های اجتماعی شایع و در حال شیوع و یا نوپدید و بازپدید

هدف دیگر برنامه سازمان بهزیستی این است که به دلیل مراجعه بیشتر افراد به صورت خودمعرف و ارتباط مستمر با کارشناسان مراکز تابع برنامه، زمینه شناسایی این آسیب ها و عوامل زمینه ساز و پیامدهای آنها بیش از پیش فراهم می شود.

#### ۴- شناسایی کانونها و مناطق آسیب‌زای اجتماعی

شناسایی این کانون‌ها و مناطق آسیب‌زای اجتماعی هدف دیگر سازمان بهزیستی است. شناسایی چگونگی توزیع پراکندگی آسیب‌های اجتماعی از طریق این برنامه میسر خواهد شد. در واقع سازمان بهزیستی با اطلاعات ارزشمندی که در اختیار دارد بستر مناسبی برای رصد آسیب‌های اجتماعی در جامعه است (نارنجی ثانی، ۱۳۹۰).

#### ۵- ارائه خدمات تخصصی و به موقع به افراد در معرض آسیب و آسیب‌دیدگان اجتماعی

هدف دیگر ارائه خدمات تخصصی و به موقع به افراد در معرض آسیب و آسیب‌دیدگان اجتماعی است. به گونه‌ای که این خدمات در دسترس آنها نیز باشد تا مصداق «نوشدارو پس از مرگ سهراب» نباشد. هر قدر فاصله بین زمان بروز مشکل تا زمان مداخله تخصصی کمتر باشد، مداخلات تأثیرگذاری بیشتری خواهند داشت تا زمینه بازگشت افراد به زندگی سالم، مستقل و مؤثر در جامعه فراهم شود. به همین دلیل اگر مشکل افراد در درون خانه شناسایی و برای حل مشکلات با کمک آنها و متخصصان سازمان بهزیستی اقدام شود، به مراتب توانمندسازی نسبت به زمانی که افراد از طریق زندان یا مراجع قضایی و پس از طی محکومیت در زندان به سازمان بهزیستی ارجاع می‌شوند، آسانتر خواهد بود. به همین دلیل سازمان بهزیستی با اتخاذ رویکرد جامعه‌محوری به جای مرکز‌محوری (مددکاری اجتماعی فعال به جای روش غیرفعال) در نظر دارد این فاصله را کمتر کند. البته این به معنای به صفر رساندن فاصله زمان بروز مشکل تا زمان مداخله نیست، اما می‌توان آن را کمتر و کمتر کرد. در واقع سازمان بهزیستی می‌خواهد زمینه‌ای را فراهم کند که افراد در معرض آسیب و آسیب‌دیدگان اجتماعی برای دریافت خدمات مورد نیاز محدودیت مکانی و زمانی نداشته باشند.

مهمترین اعضای گروه هدف عبارتند از: کودکان بزه دیده کودک آزاری، همسران آزار دیده، افراد تحت خشونت‌های خانگی، فراریان از خانه، متقاضیان طلاق، زنان آسیب دیده اجتماعی، کسانی که اقدام به خودکشی کرده‌اند، افراد دارای اختلال هویت جنسی، کودکان کار خیابانی، که سازمان بهزیستی مدنظر و هدف کار خود قرار داده است.

## مداخله در بحران بزه‌دیدگی کودک

منظور از مداخله در بحران بزه‌دیدگی کودکان، انجام یک سلسله اقدامات سنجیده، برنامه‌ریزی شده و مبتنی بر دانش است که هدف آن خروج کودک بزه‌دیده از وضعیت بحرانی می‌باشد.

فرو نشانی بحران امری تخصصی است و مداخله کنندگان در آن باید آموزش‌های لازم را در زمینه کاهش آسیب‌های ناشی از بحران و پیش‌گیری از بزه‌دیدگی مجدد دیده باشند. برای فرونشانی بحران بزه‌دیدگی کودکان، مداخله کنندگان باید دانش و مهارت کافی در مورد مسائل زیر داشته باشند:

- ۱- بزه‌دیدگی کودکان، انواع، علائم و آثار آن؛
- ۲- نیازهای کودکان در شرایط بحرانی با توجه به نوع بزه‌دیدگی؛
- ۳- شیوه رفتار با کودکان در سنین مختلف به‌ویژه در شرایط بحرانی؛
- ۴- اقدامات فوری و ضروری که باید برای کاهش آسیب و جلوگیری از بزه‌دیدگی مجدد انجام داد.

لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان، بزه‌دیدگی کودکان را از مصادیق وضعیت مخاطره‌آمیز دانسته و مددکاران اجتماعی بهزیستی را موظف نموده است که بدون فوت وقت در بحران پیش‌آمده مداخله کنند و گزارش آن را به مرجع قضایی ارائه نمایند. ماده ۳۶ لایحه مذکور مقرر می‌دارد: «هر گاه خطر شدید و قریب‌الوقوعی کودک و نوجوان را تهدید کند یا به سبب وضعیت مخاطره‌آمیز موضوع ماده ۳ این قانون، وقوع جرم محتمل باشد، مددکاران اجتماعی بهزیستی یا واحد حمایت دادگستری و ضابطان دادگستری مکلفند فوری و در حدود وظایف و اختیارات قانونی، تدابیر و اقدامات لازم را در صورت امکان با مشارکت و همکاری والدین، اولیاء و یا سرپرستان قانونی کودک و نوجوان جهت رفع خطر، کاهش آسیب و پیشگیری از وقوع جرم انجام داده و در موارد ضروری وی را از محیط خطر دور کرده و با تشخیص و زیر نظر مددکاران اجتماعی بهزیستی به مراکز بهزیستی و یا سایر مراکز مربوط منتقل کنند و گزارش اقدامات خود را حداکثر ظرف ۱۲ ساعت به اطلاع دادستان برسانند.»

با توجه به ماده فوق، هدف از مداخله مددکاران اجتماعی بهزیستی در چنین وضعیتی، رفع خطر، کاهش آسیب و پیشگیری از وقوع جرم است. آنها موظفاند تدابیر و اقدامات لازم را حتی الامکان با مشارکت و همکاری والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی کودک و نوجوان انجام داده و گزارش موضوع و اقدامات خود را حداکثر ظرف ۱۲ ساعت به اطلاع دادستان برسانند. نکته جالب توجه این است که مطابق ماده ۳۷ لایحه مذکور، مددکاران برای مداخله در وضعیت بحرانی (خطر شدید و قریب الوقوع و یا وضعیت مخاطره آمیز) می توانند بدون کسب مجوز از مرجع قضایی وارد عمل شوند؛ مشروط بر اینکه دلایل ضرورت مداخله را در گزارش خود تشریح نمایند. مددکاران اجتماعی بهزیستی برای کاهش آسیب های ناشی از بزه دیدگی و پیشگیری از بزه دیدگی مجدد می توانند فعالیت های خود را بر سه محور سلامتی کودک، تأمین امنیت و ایجاد آرامش خاطر برای او، متمرکز کنند.

### نحوه تأثیرگذاری سازمان بهزیستی استان البرز (مداخلات روانی - اجتماعی) در پیشگیری از وقوع جرم کودک آزاری

بدون شک توجه به پیشگیری اجتماعی با بهره گیری از تمام ظرفیت های موجود، بستر لازم را برای حمایت از افراد در معرض آسیب و آسیب دیدگان اجتماعی فراهم می کند. در این راستا ضروری است مداخلات روانی - اجتماعی بیش از پیش در پیشگیری از وقوع کودک آزاری تقویت شود. در ذیل به برخی از آثار این نوع مداخلات اشاره می شود:

#### ۱- عدم تشکیل پرونده قضایی

یکی از مهمترین کارکردهای مداخلات روانی - اجتماعی کمک به کاهش تشکیل پرونده های قضایی است که این مسئله در کاهش افراد دارای سوء پیشینه کمک می کند. می دانیم اگر فردی دارای سوء پیشینه قضایی باشد در بسیاری از مواقع فرصت هایی را از دست خواهد داد و شاید حتی نتواند از حقوق خود دفاع کند یا از حقوق عادی خود بهره مند شود. ضمن اینکه افراد دارای سوء پیشینه در خانواده و جامعه معمولاً به صورت مناسب پذیرش نخواهند شد.

## ۲- تسهیل در توانمندسازی کودکان بزه‌دیده کودک آزاری

از آنجا که مهمترین هدف اقدامات انجام شده در زمینه افراد درگیر جرائم و آسیب‌های اجتماعی، زمینه سازی برای بازگشت آنها به زندگی سالم و مستقل است، از طریق مداخلات اجتماعی بهتر می‌توان به این هدف دست یافت؛ چرا که در چنین شرایطی اعتماد به نفس افراد بالا خواهد رفت، خانواده هایشان آنان را بیشتر و بهتر باور خواهند کرد و جامعه بستر مناسب را برای ورود آنها به محیط اجتماعی و داشتن زندگی مستقل فراهم می‌کند (نارنجی ثانی، ۱۳۹۰).

## ۳- پرهیز از برچسب خوردن

یکی از مهمترین ویژگی‌های مداخلات اجتماعی که توسط مددکاران اجتماعی سازمان بهزیستی صورت می‌گیرد، این است که از «برچسب خوردن» افراد و کودکان جلوگیری می‌شود؛ چرا که استفاده افراد از منابع اجتماعی (نه منابع قضایی-انتظامی) مانع تشکیل پرونده قضایی می‌شود و عدم برچسب خوردن فرصت مناسبی است تا با کمک متخصصان حوزه روانی- اجتماعی، راه بهتر زندگی کردن را بیاموزند. این مسئله می‌تواند زمینه را برای ورود آنها به زندگی سالمتر فراهم کند، چرا که در چنین شرایطی معمولاً پذیرش از طرف خانواده و جامعه راحت‌تر صورت خواهد پذیرفت.

## ۴- ارتقای سلامت روانی کودکان بزه دیده کودک آزاری

استفاده مردم از خدمات روانشناختی فرصت مناسبی را در اختیارشان قرار خواهد داد تا با به‌رگیری مناسب از دانش روانشناسی، مهارت‌های لازم را برای زندگی اجتماعی و مقابله با مشکلات کسب کنند و بتوانند در مواقع لزوم از این مهارت‌ها جهت پیشگیری از ارتکاب جرم کودک آزاری یا آسیب اجتماعی استفاده کنند یا در جهت ارتقای کیفیت زندگی خود بهره بگیرند. بدون شک افرادی که از سلامت و بهداشت روان بالاتری برخوردار هستند، کمتر از دیگر افراد درگیر جرائم و آسیب‌های اجتماعی خواهند شد (موسوی، ۱۳۸۹).

## ۵- ارتقای سلامت اجتماعی

از جمله نتایج توسعه و تقویت مداخلات اجتماعی در هر جامعه‌ای، ارتقای شاخص‌های سلامت اجتماعی است تا در چنین شرایطی مردم «زندگی کردن» در اجتماع را تجربه کنند، از دیگران بیاموزند و به دیگران بیاموزانند و متناسب با شرایط هر جامعه با هنجارها و

ارزش‌های اجتماعی آشنا شده و به آنها پایبند باشند. در واقع در این صورت اجتماعی شدن (جامعه پذیری) به درستی صورت می‌گیرد و افراد از سایر مؤلفه‌های اجتماعی جامعه از قبیل آموزش بهره مند می‌شوند. با پذیرش نقش‌های اجتماعی مناسب، مسئولیت پذیری افراد در قبال جامعه افزایش می‌یابد، با راه‌های پیشگیری از جرائم و آسیب‌های اجتماعی آشنا می‌شوند، از منابع اجتماعی شناخت کافی به دست می‌آورند، در روابط اجتماعی فعال و پویا خواهند بود و مشارکت آنان در فعالیتهای اجتماعی افزایش پیدا خواهد کرد. در چنین شرایطی است که جامعه زمینه را برای ارتقای شاخص‌های سلامت اجتماعی فراهم می‌کند تا مردم از زندگی خود به طور مستمر لذت ببرند. می‌توان گفت: جامعه‌ای که در شاخص‌های سلامت اجتماعی رتبه بالاتر و مناسب‌تری را داشته باشد، در حوزه جرائم و آسیب‌های اجتماعی نیز آمار کمتری خواهد داشت و در واقع رابطه بین این دو معکوس است، با افزایش یکی شاهد کاهش دیگری خواهیم بود. در حوزه سلامت روان با آسیب‌های اجتماعی و جرائم نیز همین رابطه معکوس وجود دارد، چرا که مردمی که از سلامت روانی - اجتماعی بالاتری برخوردار باشند، به خوبی عوامل مخاطره آمیز و محافظت کننده را می‌شناسند. به همین دلیل تأثیرپذیری کمتری از جرائم و آسیب‌های اجتماعی خواهند داشت و نظم اجتماعی بیشتری را در زندگی و جامعه خود حاکم خواهند نمود.

#### ۶- حل مشکل خارج از محیط‌های انتظامی - قضایی

جمله «پایم هنوز به کلانتری باز نشده است» جمله‌ای آشناست که ناشی از باور مردم است. در تحلیل کارشناسی می‌توان گفت که: رغبت مردم برای حل مشکلاتشان در خارج از محیط‌های قضایی - انتظامی بیشتر از این محیط‌ها است. با توجه به وجود این تصورات و باورها (درست یا نادرست) ضرورت دارد از منابع اجتماعی برای حمایت از افراد استفاده بیشتری شود که در این راستا می‌توان از مشارکت سازمان‌های اجتماعی مرتبط، مانند سازمان بهزیستی بهره برد که از ایجاد واحدهای اجتماعی در سازمان‌های قضایی - انتظامی بهتر نتیجه خواهد داد.

#### ۷- استفاده مناسب‌تر از منابع اجتماعی موجود در جامعه

از جمله ویژگی‌های تقویت مداخلات روانی - اجتماعی در حوزه پیشگیری از وقوع کودک آزاری این است که می‌توان از منابع اجتماعی موجود در جامعه و مشارکت مردم بهتر



استفاده کرد؛ به عنوان مثال، جلب مشارکت مردم از طریق سازمانهای اجتماعی بیشتر از زندان، دادگستری یا نیروی انتظامی است. چنین شرایطی فرصت مناسبی است تا با مشارکت مردم زمینه برای توانمندسازی افراد در معرض آسیب یا جرم و حتی آسیب دیدگان اجتماعی، کودکان بزه‌دیده کودک آزاری و مجرمان استفاده شود؛ حتی از این فرصت می‌توان در جهت ارتقای شاخص‌های سلامت اجتماعی و روانی مردم نیز استفاده کرد که خود از عوامل مؤثر بر کاهش ارتکاب جرائم و آسیب‌های اجتماعی و جرم کودک آزاری است. مردم نیز تمایل بیشتری دارند تا از منابع اجتماعی موجود در جامعه، اعم از دولتی یا غیردولتی برای رفع و حل مشکلاتشان مانند مشکلات خانوادگی بهره ببرند. گرچه در چند سال اخیر با ایجاد شوراهای حل اختلاف تلاش شده تا در این زمینه اقدامات مؤثری صورت گیرد، ولی بررسی ساختار تشکیلاتی این شوراها نشان می‌دهد که به دلیل قالب دولتی آن نمی‌توان انتظار داشت تا رغبت و تمایل مردم برای استفاده از آن افزایش یابد، چون افراد از سیستم‌های قضایی به این شوراها ارجاع می‌شوند و مسئولان و دست‌اندرکاران آن به نوعی در منابع اجتماعی مردم به طور مستقیم دخیل هستند.

#### ۸- استفاده از روشهای مؤثر

ماهیت وظایف دستگاه‌های قضایی-انتظامی به گونه‌ای است که به دلیل وجود شاکه و متشاکه و تعداد زیاد پرونده‌ها نسبت به تعداد قضات فرصت زیادی برای بررسی دقیق و همه‌جانبه وجود نخواهد داشت. به همین دلیل پس از مدت کوتاهی پیدا کردن «مقصر» در این سازمان‌ها ضرورت بیشتری پیدا می‌کند. این، در حالی است که در نظام ارائه خدمات اجتماعی بیش از اینکه متخصصان روانی-اجتماعی به دنبال پیدا کردن مقصر باشند، بیشترین سعی آنها بر این است که بررسی کنند از چه راه‌هایی می‌توان زمینه سازش و بازگشت کودکان به زندگی خانواده و جامعه را فراهم کرد. این تفاوت ایجاد می‌کند که دست‌اندرکاران مرتبط با حوزه‌های جرائم و آسیب‌های اجتماعی بسترهای لازم را برای ارتقای جایگاه متخصصان روانی-اجتماعی در حوزه پیشگیری از وقوع جرائم و آسیب‌های اجتماعی فراهم کنند و زمینه انجام این نوع مداخلات را قبل از مداخلات قضایی-انتظامی، در حین این مداخلات و پس از آن فراهم کنند تا از ظرفیت‌های موجود در جامعه در حوزه روانی-اجتماعی استفاده بهتری صورت گیرد.

## نتیجه‌گیری

کودک آزاری و غفلت از کودکان از جمله شایع‌ترین و پیچیده‌ترین مسایل روانی اجتماعی جامعه است. گزارش‌های تکان‌دهنده‌ای اخیراً درباره موارد کودک آزاری و غفلت از کودکان در رسانه‌های گروهی ایران منعکس شده است، سازمان‌های متولی بهداشت روان و آموزش و پرورش را به تحرک جدی واداشته است. آنچه مسلم است کودک آزاری نتیجه عوامل متعدد روانشناختی و جامعه‌شناختی است و از این‌رو پیشگیری از آن مستلزم تلاش‌های همه‌جانبه و جامعه‌نگر است و گروه تحقیق به عنوان عضوی از جامعه تربیتی کشور خود را به عنوان جزئی از مجموعه مداخله‌گر دانسته و حمایت از این گروه دانش‌آموزان را یک ارزش الهی و انسانی می‌داند و با توجه به فعالیت خود در هسته‌های مشاوره، از این جایگاه ممتاز برای اقدام گروهی برای مقابله با کودک آزاری استفاده می‌نماید. با توجه به ماهیت فرابخشی آسیب‌های اجتماعی، جرائم، کجروی‌ها و... هیچ سازمانی نمی‌تواند ادعا کند که به تنهایی می‌تواند همه امور مربوط به پیشگیری از وقوع جرم و کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی را انجام دهد. به همین دلیل برای دستیابی به هدف والای سلامت اجتماعی که پیشگیری از جرم نیز از مؤلفه‌های اساسی آن است، باید همه سازمان‌های مرتبط اعم از دولتی و غیرفعال در این عرصه با هم تعامل و همکاری داشته باشند و در این راستا زمینه مشارکت مردم نیز بیش از پیش فراهم شود. شاید به همین دلیل است که رویکردهای کاربردی پیشگیری از وقوع جرم رویکردی چندنهادی است. برنامه اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی استان البرز نیز از جمله برنامه‌هایی است که به دلیل نوع وظایف و هدفی که دارد می‌تواند زمینه و بستر مناسبی برای پیشگیری از وقوع جرم و قضازدایی برای افراد در معرض آسیب و آسیب‌دیده اجتماعی به ویژه کودک آزاری در مناطق حساس و جرم خیز کرج مانند حصار، حصارک، حسین‌آباد، آق تپه و... باشد.

نتیجه بررسی‌ها، نشان می‌دهد که چنانچه برای افرادی که در معرض آسیب اجتماعی قرار می‌گیرند یا دچار آسیب اجتماعی می‌شوند، قبل از ارجاع به زندان، مداخله تخصصی و به موقع صورت گیرد، احتمال بازگشت آنها به زندگی سالم و مستقل بیشتر از افرادی است که مشمول دریافت این خدمات نمی‌شوند و در زندان به سر می‌برند. در چنین شرایطی خانواده و جامعه، آمادگی بیشتری برای پذیرش این کودکان دارند و فرد آسودگی خاطر بیشتری را برای ورود به جامعه و داشتن زندگی سالم دارد. به همین دلیل تعامل سازمان

بهزیستی و نیروی انتظامی می‌تواند بستر مناسبی را فراهم کند تا همه افرادی که به آنجا مراجعه می‌کنند یا همه افرادی که شناسایی می‌شوند، به نظام قضایی ارجاع نشوند. البته در این زمینه همکاری قوه قضائیه (به ویژه دادستانی) بسیار ضروری است. در حال حاضر این همکاری در قالب تفاهم نامه های ملی و استانی انجام می‌شود که در استان البرز نیز تفاهم نامه ها و همکاری هایی بین پلیس و دادگستری و سازمان بهزیستی صورت پذیرفته است و بر همین اساس قوه قضائیه، لایحه حمایت از کودکان را تدوین کرده است و در آن اختیارات زیادی را به مددکاران اجتماعی و سازمان بهزیستی داده است تا در چنین شرایطی و یا حتی در زمانی که مددکاران اجتماعی احساس کنند خطری کودک را تهدید می‌کند، بتوانند بدون حکم قضایی مداخله کنند و حداکثر تا ۱۲ ساعت پس از آن دلایل و گزارش خود را به دادستان اعلام کنند. همچنین چنانچه نیاز به مداخلات انتظامی بود، این مداخلات صورت گیرد. این همان مسئله‌ای است که ضابط اجتماعی شدن مددکاران اجتماعی سازمان بهزیستی از طریق اورژانس اجتماعی را نهادینه می‌کند. در این راستا نیز همکاری سازمان بهزیستی، نیروی انتظامی و قوه قضائیه بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند؛ به طوری که سازمانهای مختلف از جمله نیروی انتظامی، باید کودکان مشمول لایحه مذکور را پس از شناسایی به سازمان بهزیستی معرفی کنند. به همین دلیل موفقیت اورژانس اجتماعی، به عنوان حد فاصل بین خانه و کلانتری و سومین اورژانس کشور، بستر مناسبی برای قضاودایی و پیشگیری از وقوع جرم و یا تکرار آن است.

### پیشنهادها

- پیشنهاد می‌شود در راستای ارتقای توانمندی سازمان بهزیستی استان البرز در پیشگیری از بزه کودک آزاری اقدامات ذیل با دقت صورت گیرد:
- ۱- پیشنهاد می‌گردد در زمینه توانمند سازی هر چه بیشتر کارکنان این سازمان، آموزش های لازم از قبیل دوره های ضمن خدمت، کارگاه های آموزشی و همچنین تحصیل در دوره های بالاتر در زمینه رشته شغلی برگزار شود.
  - ۲- پیشنهاد می‌گردد در خصوص کمک های مالی سازمان بهزیستی به کودکان کار و کودکان بزه‌دیده، علی‌الخصوص در مناطق حاشیه نشین تمهیدات لازم را بیندیشند.

- ۳- پیشنهاد می‌گردد که سازمان بهزیستی با همکاری رسانه‌های جمعی، علی‌الخصوص تلویزیون در زمینه آگاه‌سازی خانواده‌ها نسبت به پیشگیری اولیه از جرم اقدامات جدی بنمایند چراکه عامل مهمی در پیشگیری ثانویه از جرم به شمار می‌رود.
- ۴- پیشنهاد می‌گردد که سازمان بهزیستی استان البرز در خصوص خدمات رفاهی آموزشی، فرهنگی و ... بیشترین توجه لازم را بنماید چراکه در نتیجه تحقیق نیز به عنوان یک عامل حمایتی مهم در پیشگیری ثانویه از جرم محسوب می‌شود.
- ۵- ارائه آموزش‌های تخصصی مواجهه با انواع خشونت علیه کودکان به ویژه وضعیت‌های حاد ناشی از خشونت جنسی به مددکاران اجتماعی بهزیستی، روانشناسان، معلمان، کادرهای انتظامی و قضایی و...
- ۶- بازنگری و اصلاح قوانین موجود در باره حقوق کودکان و تصویب قوانین بازدارنده از تنبیه بدنی و سوء استفاده از کودکان.
- ۷- اقدام جهت رشد آگاهی جامعه و والدین در خصوص حقوق کودک.
- ۸- ممنوعیت استفاده از خشونت برای اهداف آموزشی در خانواده و مدارس.
- ۹- اقدام مناسب و مؤثر جهت زدودن روش‌های سنتی‌ای که به بهداشت و سلامت جسمی و روانی کودک آسیب می‌رساند.
- ۱۰- منع قانونی اعمال خشونت در سازمان‌ها و نهادها، مثل زندان‌ها، مدارس، مهدهای کودک و سایر مؤسسات.
- ۱۱- اقدام به پیشگیری از بروز خشونت در تمامی خدمات و امور مربوط به کودکان و خانواده‌های آنان.
- ۱۲- ارتقاء سطح خدمات بهداشتی در سطح استان البرز.
- ۱۳- ارتقاء سطح آموزشی و امکانات تفریحی کودکان در سطح استان و بخصوص مناطق حساس و جرم‌خیز.
- ۱۴- دسترسی کودکان به مراکز مشاوره از طریق تلفن، مراجعه حضوری و مکاتبه‌ای.
- ۱۵- تلاش در جهت کاهش فقر، اعتیاد و بیکاری بخصوص در مناطق فقیرنشین.

## منابع

- قانون اساسی
- قانون مدنی
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲
- قوانین و مقررات تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۵
- مجموعه قوانین و مقررات سازمان بهزیستی ۱۳۷۶
- معین، محمد (۱۳۷۷). فرهنگ فارسی معین، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- الله‌یاری، طلعت (۱۳۸۸). مقاله درسی: مبانی مددکاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- موسوی، سید حسن (۱۳۸۹). اورژانس اجتماعی و نقش آن در پیشگیری از وقوع جرم، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ش ۱۴.
- نارنجی ثانی، سعید (۱۳۹۰). بررسی خبر شکل‌گیری اورژانس اجتماعی، مجله وکالت، ش ۳۹.
- محمد رضا گودرزی (۱۳۸۲). بزه دیدگی اطفال بزه کار، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۴، ص ۱۰۴.
- محمد نسل، غلامرضا (۱۳۸۷). پلیس و سیاست پیشگیری از جرم. تهران: انتشارات دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا؛ الف
- گل محمدی خامنه، علی (۱۳۸۴). پیشگیری از جرم. تهران: مجموعه مقالات پلیس و پیشگیری از جرم. تهران: مؤسسه انتشاراتی جام جم؛
- گل محمدی خامنه، علی (۱۳۸۵). مدیریت پیشگیری از جرم. تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی؛
- صفاری، علی (۱۳۹۱). مقالاتی در جرم‌شناسی و کیفرشناسی، تهران: انتشارات جنگل، ص ۲۸۳
- ریموند، گسن (۱۳۷۰). جرم‌شناسی کاربردی؛ ترجمه مهدی کی‌نیا؛ تهران: انتشارات مترجم.